

فردوسی و شاهنامه در قفقاز

خبرگزاری آران/ سرویس قفقاز

کتاب نامه:

فردوسی و شاهنامه در قفقاز، نوشته ولی صمد، برگردان رحیم مسلمانیان قبادیانی، ویرایش فاروق صفی زاده، تهران، 1378.

نویسنده این کتاب ارزشمند دکتر «ولی صمد» از اهالی تاجیکستان گرامی است و تحصیلاتش را در ادبیات فارسی تاجیکی به پایان برده و پایان نامه اش را زیر عنوان «مسأله ی اساسی روابط ادبی مردم تاجیک و آذربایجان، در سده نوزده» نوشته است.

کتاب فردوسی و شاهنامه در قفقاز در زمره مهمترین و بزرگترین پژوهش های ایشان جای دارد، وی در این کتاب به بررسی پژوهش های انجام شده درباره فردوسی و شاهنامه در حوزه قفقاز پرداخته و پژوهش گران بنام آذربایجانی(ارانی)، گرجی، ارمنی و ترکمن را – که روشن بین بوده و به چشم خرد شاهنامه را دیده و ارزش بالای آن را دریافته بودند – معرفی می نماید. این کتاب که به کوشش یکی دیگر از دانشمندان بنام تاجیک پروفیسور رحیم مسلمانیان قبادیانی به خط فارسی برگردانده شده است دارای هفت بخش می باشد که عبارتند از: 1- فردوسی در قفقاز 2- فردوسی در جمهوری آذربایجان(1) 3- فردوسی در گرجستان 4- فردوسی در ارمنستان 5- فردوسی در ترکمنستان 6- فردوسی در کشمکش 7- فردوسی در جمهوری آذربایجان(2) و با دو پیوست (چرنشیفسکی و فردوسی، در حاشیه ی یوسف و زلیخا) و سه بخش پایانی (کتاب ها و ضرب المثل ها، ترکیبات تو صیفی و نفوذ عربی «واژگان تازی») کتاب به پایان می رسد.

در اینجا بندی چند از این نامه ارجمند را برای آشنایی بیشتر خوانندگان با دیدگاههای پژوهشگران قفقازی درباره فردوسی و شاهنامه می آوریم:

«گمانی در این نیست که رستم گرد؛ پشت و پناه و جانسپار ایران بوده و جان خود را سپر ایران ساخته است و لذا هراس دشمنان بی مورد نخواهد بود، چرا که از این می ترسند مبادا از میان مردم جمهوری آذربایجان، رستم هایی زاده شود و پرچم استقلال ایران بزرگ را برافرازند».

«اهل ادب [جمهوری] آذربایجان که زبان فارسی را همچون زبان مادری خود نغز می دانستند و برای برخی ها نیز زبان مادری بود، در دریای گرانسنگ شاهنامه و فردوسی به کمال رسیده بودند و بر پایه خرد نیک، و کمالات خویش، به ترجمه داستانهای شاهنامه پرداختند».

«از سفرنامه یک جهانگرد روحانی برناردی (سده هفده میلادی)، که از تفریس به روم می رفته، چنین پیداست که گرجی ها، به جای کتابهای مقدس دینی، داستان بیژن و منیژه، رستم نامه و داستان بهرام گور را بیشتر می خوانده اند».

«شعر شاعر مشهور ارمنی گ. ساریان:

عصرهای بیشماری بازآیند و روند

باز آثار تو هر جا می دهد ساز بلند

تا جهان باقی ست در هر خانه، در هر انجمن

عاشقان را شعر فردوسی است یار و کارمند».